

چرا جهان وجود دارد؟

پل دیویس و دیگران

ترجمه‌ی

امیرمسعود جهان‌بین



پارسیک

یادداشت ناشر

این مجموعه آثار و سخن‌ها را گردآوری کرده و به شما تقدیم می‌کنیم. امید است که این مجموعه برای شما مفید و الهام‌بخش باشد. در صورت نیاز به توضیحات بیشتر، می‌توانید با ما تماس بگیرید. با احترام، ناشر

یادداشت ناشر

- ۷ چرا جهانی وجود دارد؟/ پل دیویس
- ۹ چرا چیزی؟ چرا این؟/ درک پارفیت
- ۳۱ فهم پرسش/ تایرون گلدشمیت
- ۴۷ آیا جهان ناهاری مجانی است؟/ پل دیویس
- ۶۱ چرا این جهان وجود دارد؟/ شان کرول
- ۶۷
- ۸۳ نمایه

چرا جهانی وجود دارد؟[†]

پل دیویس

در طبیعت دلیلی وجود دارد که چرا چیزی به جای آن که نباشد، باید وجود داشته باشد.

گاتفرید لایبنیتس^۱

هرچه جهان قابل فهم تر به نظر می رسد، بیش تر بی معنا به نظر می آید.

استیون واینبرگ^۲

اندیشه‌ی خدایی آفریننده که از سر اراده‌ی آزاد خود علت به وجود آمدن جهان شده باشد، ریشه‌ای محکم در فرهنگ مسیحی - یهودی دارد. با این حال دریافته‌ایم که چه گونه چنان فرضی، مسایلی را - بیش از آن که حل کند - پدید آورده که الهی‌دانان در طول قرن‌ها به ندرت آن‌ها را مورد پرسش قرار داده‌اند. این مشکل با ماهیت زمان سر و کار دارد. امروزه می‌دانیم زمان پیوندی ناگسستی با مکان دارد و مکان-زمان، بخشی از جهان فیزیکی هستند؛ همان‌طور که ماده بخشی از جهان فیزیکی است. از سویی، زمان نیز قواعدی خاص درباره‌ی دگرگونی رفتار خود دارد و آشکارا بخشی از فیزیک است.

[†] Paul Davies, *God and the new physics*, Penguin Books, 1990, pp 51-63

1. Gottfried Leibniz

2. Steven Weinberg

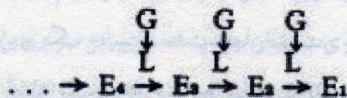
اگر زمان به جهان فیزیکی تعلق دارد و زیر سیطره‌ی قانون‌های علم فیزیک است، باید در جهانی که فرض می‌شود خدا آن را آفریده است، قرار داشته باشد. اما این چه معنا دارد که گفته شود «خدا سبب شده است تا زمان به وجود آید» در حالی که براساس فهم عادی ما از علیت، یک علت باید بر معلول خویش مقدم باشد؟ علیت فعالیتی زمانمند است. زمان باید پیش از آن که معلولی پدید آید، وجود داشته باشد. اگر زمان وجود نداشته باشد - اگر هیچ «قبلی» وجود نداشته باشد - تصویر ساده‌ی خدایی که «قبل از» جهان وجود داشته باشد، به وضوح نامعقول است.

همان‌طور که می‌دانیم این معضلات پیش از این برای آگوستین قدیس در قرن پنجم آشکار بوده‌اند. این مسایل را به خصوص بوئتیوس^۱ یک قرن بعد به تفصیل بیان کرد و به مفهوم آفرینش تبدیل شد؛ مفهومی که بسیار انتزاعی‌تر و دقیق‌تر از چیزی است که برای افراد عادی آشنا است. براساس این دیدگاه اصلاحی، خداوند کاملاً بیرون از فضا و زمان قرار دارد و به معنایی «فوق» طبیعت است تا این که پیش از آن باشد. مفهوم یک خدای بی‌زمان، مفهومی ساده نیست.

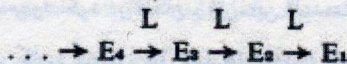
خدایی که بیرون از زمان است، به‌عنوان «آفریننده»ی جهان و به معنای قوی‌تر آن، به‌عنوان «نگه‌دارنده»ی هستی جهان در هر لحظه» تلقی می‌شود؛ نه این که صرفاً جهان را آغاز کرده باشد؛ یعنی همان باوری که به نام دئیسم^۲ در برابر تئیسم^۳ شناخته می‌شود. یک خدای بی‌زمان در همه‌ی لحظه‌ها کار انجام می‌دهد. بنابراین خالق کیهانی از راه دور، مفهوم بزرگ‌تری از بی‌واسطه‌گی در

1. Boethius
2. deism
3. theism

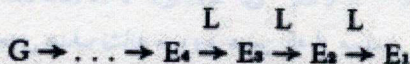
خود دارد. او این‌جا و اکنون فعل انجام می‌دهد اما در ازای نوعی ابهام، زیرا این اندیشه که خدا فرا زمان باشد، اندیشه‌ای پیچیده است.



دو گزینه‌ی خدا در زمان که علت خلقت است و خدای بی‌زمان که هستی داشتن جهان را (شامل زمان) نگه می‌دارد، گاهی به‌طور نموداری به صورت زیر نشان داده می‌شود. [۱] دنباله‌ای از رویدادها را تصور کنید که هر کدام به لحاظ علی به رویداد قبلی وابسته است. آن‌ها را می‌توان به صورت یک سری E^1, E^2, E^3, \dots نشان داد که در زمان به عقب می‌روند. بنابراین E^1 را E^2 پدید آورده است که به نوبه‌ی خود E^3 آن را به وجود آورده است و به همین ترتیب. این زنجیره‌ی علی را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:



که در آن L ها یادآوری می‌کنند یک رویداد از طریق عمل کردن قوانین علم فیزیک (که با L نمایش داده می‌شود) علت رویداد بعدی است. آن‌گاه مفهوم یک خدای علی را می‌توان با قراردادن خدا به‌عنوان اولین عضو این سلسله علل (G) نشان داد.



اما اگر خدا بیرون از زمان باشد، او به هیچ وجه نمی‌تواند متعلق به این زنجیره‌ی علی معلولی باشد، بلکه، او فوق این زنجیره است و در هر خط اتصال، آن را نگه می‌دارد.